

پوشیدگی محافظ پوشیدگی

رسم
زندگی

می خواهیم از حجاب بگوییم. صحبت از حجاب است و پوشیدگی. همین ابتدا خوب است بدانیم که به کارگیری واژه حجاب در مورد پوشش بانوان اصطلاحی نسبتاً جدید است. حجاب هم به معنی «پوشش» است و هم به معنی «پرده و حاجب». در گذشته واژه «ستر» در مورد پوشش به کار می رفته است. به قول استاد شهید مطهری (ره): «بهتر بود این کلمه عوض نمی شد.» چون استفاده از واژه حجاب موجب شده است عده‌ای به خطا گمان کنند یا از سر عمد و دانسته بخواهند چنین وانمود کنند که اسلام خواسته است زن پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. در حالی که می دانیم این گونه نیست. حجاب در اسلام به هیچ وجه به این معنی نیست. برعکس، حکم حجاب تأییدی است بر حضور اجتماعی زنان. البته بوده‌اند گروه‌هایی که در حجاب و پوشش بانوان افراط کرده‌اند. حتی در گذشته زنان، به خصوص اشراف، کاملاً پوشیده و پشت پرده بوده‌اند. به روایت «شاهنامه»، گاه زنانی آن قدر خود را از دیده‌ها پنهان کرده بودند که به تعبیر خودشان حتی باد هوا و آفتاب نیز آن‌ها را ندیده بوده است:

منیژه منم دخت افراسیاب

برهنه ندیده مرا آفتاب (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۸۲۹)

دگر دختر شاه به آفرید

که باد هوا هرگز او را ندید (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۱۸۲)

ز پرده برون کس ندیده مرا

نه هرگز کس آوا شنیده مرا (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۳۲۷)

این پوشیدگی تا جایی بوده که در شاهنامه «پوشیده» و «پوشیده‌روی» حتی معادل زن به کار رفته است:

ز پوشیده رویان یکی شهرناز

دگر ماهرویی به نام ارنواز (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۳۵)

بشد با پرسندگان مادرش

گرفتند پوشیدگان در برش (فردوسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۶۰۴)

می بینید که حجاب زنان قبل از اسلام نیز رایج بوده و حتی گاه به شکل افراطی‌اش وجود داشته است. کاری که اسلام کرده آن است که تا جای ممکن آن را تعدیل و به شکل معقول مطرح کرده است. در مجموع باید گفت اگر چه اسلام به دلیل نقش تربیتی ویژه زنان، بر حضور آنان در خانه و در میان خانواده تأکید دارد، اما در مواردی که نقش آفرینی بانوان در اجتماع مورد نیاز بوده، نه تنها با آن مخالفتی نداشته که بر آن تأکید ورزیده است. البته وقتی از ارزش حضور زن در خانواده و از محوریت عاطفی او در محیط خانه صحبت می شود، برخی می خواهند حضور زن را در خانه به رفت و روب و شستن لباس‌ها و تروخشک کردن بچه‌ها تنزل دهند. به این شکل، یعنی با تعریف ناقص و وارونه از زن و نقش آفرینی او در خانه و خانواده، می کوشند دختران و زنان را برای احساس نارضایتی از خانه و خانه‌داری تحریک کنند. اما حقیقت آن است که خانه مهم‌ترین کانون اجتماعی است و همه چیز از خانه و خانواده شروع می شود.

اصالت حضور زن در خانواده

اگر بدانیم شخصیت اصلی بچه‌ها در محیط خانه طراحی و پایه‌گذاری می‌شود و به تدریج در جامعه تراش می‌خورد و صیقل می‌یابد، یعنی بدانیم شخصیت بنایی است که زیرساخت‌هایش تا حدود زیادی در خانواده و به خصوص تحت تربیت مادران شکل می‌گیرد، آن وقت درک می‌کنیم که اصالت حضور زن در خانه و خانواده، نه به خاطر ضعف او که به دلیل توانمندی‌ها و ظرایف عاطفی است. آری نباید فراموش کرد که خانواده از مهم‌ترین نهادها در بنیاد جامعه است و زن با ایفای نقش مادری، محور پایداری و بویایی چنین نهادی است. از همین رو اگر زن عمده توانایی‌ها، استعدادها و فعالیت‌های خود را در راه تربیت فرزندان و همراهی با همسر هزینه نکند، جامعه بشری خلأ حضور و فعالیت مادر و همسر دلسوز و توانمند را به شکل فساد، خشونت و عقده‌های روانی بازتاب خواهد داد.



دین و حضور اجتماعی زنان

گفتیم حجاب هرگز به معنی خانه‌نشینی زنان نیست که برعکس، طرح مسئله حجاب خود بیانگر آن است که دین حضور اجتماعی زنان را پذیرفته است. مگر نه اینکه حجاب در سطح جامعه است که معنی پیدا می‌کند، وگرنه زن در میان خانواده و نزد فرزند و همسر خود که به پوشاندن سر ملزم نیست؟ حال باید دانست که نوع پوشش ما در سطح جامعه، به دلیل تأثیرگذاری اجتماعی‌اش نمی‌تواند و نباید موضوعی صرفاً شخصی قلمداد شود. برخی با طرح این موضوع که پوشش و حجاب امری شخصی و فردی است، کوشیده‌اند کارکرد دینی و اجتماعی آن را در سلامت افراد جامعه نادیده بگیرند و یا تأثیر بی‌توجهی به حجاب را در بروز برخی ناهنجاری‌های اجتماعی انکار کنند. اما مگر می‌توان تأثیر نوع پوشش افراد را در جامعه روی دیگران انکار کرد؟ معلوم است که نوع پوشش و نوع رفتار و روابط ما در عرصه عمومی بر دیگر آحاد جامعه اثر گذار است. ما در خانه هم باید پوشش مناسبی داشته باشیم، اما نوع پوشش

ما در بیرون خانه موضوعی جداست. این دیگر فقط به خودمان مربوط نیست، فرضاً کسی نمی‌تواند با پوشش خاص و ترسناک وارد جامعه شود و دیگران را بترساند و بگوید ظاهر به خودم مربوط است. یا اگر کسی در خانه خودش سیگار بکشد، به خودش مربوط است، اما همین فرد در یک فضای عمومی بسته مانند اتوبوس شهری و یا مترو حق ندارد سیگار بکشد. معلوم است که این کار او به دیگران مربوط است. انسان‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند و پوشش و ظاهر افراد در اجتماع به دیگران ربط دارد. به نظر من شخصی که با پوشش نامناسب وارد جامعه می‌شود، به نوعی خودش هم می‌داند که این کار شخصی نیست، چون خودش هم نمی‌تواند ادعا کند که به نظر دیگران درباره خودش هیچ توجهی نداشته است. اگر هیچ کس نبود، او به این صورت و با این شمایل بیرون نمی‌آمد. جز این است که وی برای جلب توجه دیگران دست به چنین کاری زده است؟ باید بدانیم طهارت اخلاقی و سلامت معنوی افراد در جامعه در گروی سلامت روابط و رعایت ترازاها و معیارهای اخلاقی و انسانی در مناسبات اجتماعی نیز هست. انتخاب پوشش مناسب در فضای عمومی از جمله این معیارهاست. پس هر کسی حق ندارد هر طور خواست بیرون بیاید. به هر حال هیچ کس نمی‌تواند بگوید من خودم را با این سرووضع هم می‌توانم حفظ کنم، به بقیه کار ندارم. چرا که دیگران نیز هستند. جامعه یک کل به هم پیوسته است. بله مسئله این نیست که من پاکم، مسئله این است که نباید با کار و رفتار من، دیگران پاکی خود را از دست بدهند و از راه بمانند. ما همه در یک قایق نشسته‌ایم و اگر کسی زیر پای خود را با این منطق که جای خودم است سوراخ کند، همه غرق خواهند شد!

فرهنگی، به کوشش پرویز آتابکی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۹ (بخشنامه فر دوسمی، ۱۳۷۹)